



برادر ارجمند جناب آقای حسین غفاری

از اینکه چنین نوشهای، شما را چنین جدی درگیر کرده است، خوشحالم و خوشحالی ام بیشتر از این است که نقد شما بر روایت داستان وار بnde که ناشی از دغدغه‌های معلمی من است، تحلیل دقیق شما را به دنبال داشته است.

پاتوق سایبری هم مانند سایر پاتوق‌ها جذابت خاص خود را دارد؛ با یک امای بسیار قوی‌تر که هنوز جایگزینی برایش نیامده و آن اینکه: با یک خط تلفن همراه به کاربر این امکان و اعتماد را می‌دهد که هم حربیم خصوصی و هم هویت گروهی خود را احساس کند و از این طریق هویت جدید خود را در آن محک بزنند و مخاطبان خود را بستجد!

این پاتوق، خواهی نخواهی، به پاتوق‌های پیشین افزوده شده و ما هنوز برای کارکرد آن نتوانسته‌ایم جایگزین مناسبی بیابیم. من یک سؤال جدی دارم و آن اینکه: زمانی که همه دانش‌آموزانمان را، با سلیقه‌های فردی هر یک، مجبور می‌کنیم بهترین سال‌های یادگیری خود را به خواندن مطالبی بگذرانند که ممکن است اصلاً به کارشان نیاید، وقتی برای تخصص آفریدن از میان استعدادهای دانش‌آموزانمان، هنوز هیچ پاتوقی تعییه نکرده‌ایم و اصلاح‌دست نداریم به جدی شدن گعده‌های تخصص محور بچه‌هایمان پروردی بدیم، چه اشکال دارد، آن‌ها را به پاتوق‌های سایبری وارد کنیم؟ شاید عدو سبب خیر شد و از این راه ما کمی به فکر ضدمملة فرهنگی افتدیم!

علمی داشتیم که خدا او را حفظ کند، سرکار خانم حدادیان، یک سال تمام برای ما کلوب تخصصی علمی هنری ورزشی در مدرسه گذاشت و از هر کسی و با هر علاقه‌ای، خواست هر فعالیتی را که دوست دارد اعلام کند تا در صورت به حد نصاب رسیدن افراد، آن فعالیت نیز در مدرسه تشکیل شود. تمام عشق آن سال مدرسه رفتنمان این بود که این گعده‌ها را داشتیم و احساس همیوت اجتماعی جدیدی می‌کردیم. اما این امکان در بسیاری از جاهای وجود ندارد یا به وجود نمی‌آید. برای نسل امروز دور هم بودنی جدی، دوست‌داشتنی و راحت‌تر از این پاتوق‌های سایبری پیدا نمی‌شود. من، البته، با پایش صحیح و پیدا کردن قوانین پاتوقی، با شما هم عقیده‌ام.

\* پی نوشت

۱. نشستن، دوره گرفتن و

دور هم نشستن.

خوشحالم که نوشه‌ام باعث شد تحلیل دقیق و زیبا و همچنین پیشنهادهای شما را ببینم.